

تأثیر خدمات فرهنگی-مذهبی زرتشتیان بر گسترش تحولات تمدن ایرانی اسلامی

چکیده

هیچ تمدنی در خلاء به وجود نمی‌آید. هر تمدنی میراث‌دار گذشته خود است و در نسبتی معنادار با آن قرار دارد. عصر طلایی تمدن اسلامی را نیز باید در این زمینه به فهم در آورد. تمدن طلایی اسلام که در عصر خلافت عباسی به وجود آمد به طور مشخص در ارتباط با تمدن ایرانی عصر ساسانی است. در تاریخ ایران اشرافیت زرتشتی به عنوان نخبگان فرهنگی همواره پرچم‌داران علم و دانش بوده‌اند. در عصر ساسانی توان این نیروی نخبگانی به بالاترین حد خود می‌رسد. با توجه به حوادث جهانی چون بسته شدن مدارس علمی در امپراطوری روم شرقی، جهان ایرانی به رهبری نخبگان زرتشتی بیش از پیش کانون مباحث علمی جهان متمدن گشت. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با روشی کتابخانه‌ای نشان دهیم زرتشتیان چگونه پس از اسلام توانستند به عنوان یک نیروی فرهنگی زنده بمانند و با انتقال سنت دانش در عصر ساسانی به جهان اسلام منشاء خدمات بسیاری شوند. نتایج پژوهش ما نشان دهنده‌ی آن است که انحلال نظام ساسانی دستاوردهای فرهنگی زرتشتیان را از دایره بسته موبدان بیرون آورد و دستاوردهای علمی گذشته را پایه‌ی تحولات جدید ساخت. در این میان دو حوزه بیش از هر حوزه دانش دیگری توانستند از میراث زرتشتی بهره‌گیری کنند: دانش پزشکی که با سنت غنی جندی‌شاپور در پیوند است و هم‌چنین فلسفه و حکمت که نمونه‌ی بارز انتقال آن را در آثار سهروردی می‌توانیم مشاهده کنیم.

اهداف پژوهش

۱. بررسی حوزه‌های دانش در ایران زرتشتی پیش از اسلام.
۲. بررسی خدمات فرهنگی اندیشه‌ی زرتشتی در ایران دوره‌ی اسلامی.

سؤالات پژوهش

۱. چه حوزه‌های دانشی از ایران پیش از اسلام به ایران پس از اسلام انتقال پیدا کردند؟
۲. تأثیرات فرهنگی حوزه‌ی زرتشتی در دوره‌ی اسلامی چگونه بوده است؟

واژگان کلیدی: خدمات فرهنگی مذهبی، سنت علمی، زرتشتیان، تمدن ایرانی اسلامی.

بررسی تأثیرات متقابل جامعه‌ی ایرانی و دین اسلام در سده‌های نخستین تمدن اسلامی، از دغدغه‌های همیشگی کسانی است که تمایل دارند تاریخ تمدن اسلامی را به نگارش درآورده و تحلیل کنند. بی‌شک سنت‌های علمی عمیق ایران پیش از اسلام، بستر مناسبی را برای شکوفایی تمدن اسلامی در عصر بعدی فراهم کرده است؛ اما مسئله بر سر این است که این سنت عمیق علمی از چه کانال‌هایی بر تمدن پس از خود اثر گذار بوده است. در اینجا می‌کوشیم یکی از مهم‌ترین این کانال‌ها، یعنی آیین زرتشتی را مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم.

عملکرد زرتشتیان در جریانات علمی و ادبی دوران اسلامی، جدای از میراث ماندگار تاریخ ایران پیش از اسلامی نیست. در تاریخ پیش از اسلام، همزمان با گسترش و نشر آیین زرتشتی، جهان‌بینی زرتشتی‌گری بر فعالیت‌های پیروان این آیین تأثیر می‌گذاشت و با گذشت زمان، یک کلیت درهم بسته‌ای ساخت که سعی می‌کرد علاوه بر پاسخ به نیاز انسان در باب خلقت این جهانی و عاقبت آن جهانی، فعالیت‌های روزمره او در این سرای فانی را تنظیم و جهت‌دهی نماید. از همین‌رو دین زرتشتی، به مانند چتری گسترده، هر رفتار و کنش آدمی را بر اساس این جهان‌بینی، تفسیر می‌کرد و ارزش‌گذاری می‌نمود. هر دین و آیینی، برای بقا و تداوم حیات خویش، راهنمایی و هدایت جامعه‌ی پیروان و جلوگیری از بی‌نظمی در میان جامعه‌ی دینی و افراد برجسته آن آیین، نیازمند ساختار و سامانی کاملاً منسجم بود که هر کسی را در جایگاهی که شایسته آن بود قرار دهد. این ساختار در آیین زرتشتی با تأسی از باورهای ایرانیان پیشازرتشتی، خصلتی کاملاً طبقاتی و کاستی یافته بود و جامعه را تحت کاست و طبقات مشخصی قرار می‌داد. در دل این جهان اجتماعی زرتشتیان و ساختار نهاد دین، نه تنها مرز میان دانش و علم با خرافه را جهان‌بینی زرتشتی تعیین می‌کرد و هر دستاوردی خارج از باورهای زرتشتی مردود بود، بلکه علم‌اندوزی و دانش‌ورزی نیز مختص یک گروه و طبقه‌ی خاص بود و هر کسی را اجازه ورود به این حوزه‌ها نبود. از همین‌رو ساختاری متصلب می‌ساخت که مانع جدی در گسترش و انتقال دانش در میان طبقات پایین جامعه‌ی ایرانی بود. همین مسئله باعث شد که بزرگان دین زرتشتی به یکی از بزرگ‌ترین طبقات علمی جامعه‌ی پیشااسلامی بدل شوند.

تأثیرپذیری فرهنگ و هنر آیین و مذاهب گوناگون بر تحولات جامعه اسلامی مبحثی گسترده و قابل تأمل است. ابوالقاسم دادور و ثریا محمدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ی "نقاشی مانوی و تأثیر آن بر نگارگری اولیه اسلامی"، تلاش می‌کنند با استفاده از روش تاریخی و توصیفی نشان دهند، پس از استیلای اعراب بر مانویان، نقاشی مانوی بر نگارگری اوایل دوران اسلامی تأثیر به‌سزایی گذاشته است (دادور و محمدی، ۱۳۸۵). هم‌چنین پژوهش‌ها و مقالاتی که به ارتباط و تأثیرپذیری فرهنگی زرتشتیان و اسلام پرداخته‌اند، متعدد و قابل توجه هستند. شائول شاکد (۱۳۹۳) در کتاب «از ایران زردشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره‌ی تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی» ادعان می‌دارد ایرانیان، تأثیر فراوانی بر فرهنگ‌های همسایه‌ی خود نهادند - مسیحیان، یهودیان، ارمنی‌ها، گرجی‌ها و دیگران - و به یک اعتبار همه‌ی این گروه‌های اقلیت، بیش‌تر چیزهایی را که ایشان را بدان می‌شناسند، مدیون ایران‌اند. با این رویکرد مجموعه مقالاتی در این کتاب گردآوری شده است که در پی دستیابی به دو هدف اساسی است؛ نخست توضیحات و تفسیرهای کیش زرتشتی دوره‌ی ساسانی و دیگری چگونگی انتقال اندیشه‌های آن به اسلام (شاکد، ۱۳۹۳). هم‌چنین کتابیون نمیرانیان (۱۳۸۷) در کتاب «زرتشتیان ایران پس

از اسلام تا امروز»، پیشینه‌ی دین زرتشتی و سیر تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و... زرتشتیان کرمان و سایر نقاط ایران را، از ورود اسلام تا دوران معاصر بررسی کرده است (نمیرانیان، ۱۳۸۷). هم‌چنین از جمله مقالاتی که به تأثیرپذیری دین اسلام و زرتشت پرداخته‌اند، می‌توان به «واکاوی تأثیرپذیری مستقیم اسلام از دین زرتشت در آموزه‌ی معاد» نوشته‌ی سیدمحمد حاجتی شورکی و حسین نقوی (۱۳۹۶) و «مقایسه‌ی تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یک‌دیگر» نوشته‌ی عباس مسیحی و زهرا حق‌پرست (۱۳۹۳) اشاره کرد که سعی در فهم و مطالعه‌ی میزان تأثیرپذیری این ادیان در ارتباط با یک‌دیگر دارند.

هم‌چنین محمدمبین ناصح و محمدرضا کیانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ی «تعامل فرهنگی ایران باستان و اسلام» در تلاش هستند تا چگونگی تعامل اعراب با فرهنگ و تمدن ایرانی در صدر اسلام را بررسی نمایند و از این رهگذر، سهم ایران باستان را در تکوین تمدن درخشان اسلامی نمایان سازند. مقاله‌ی حاضر نیز در ادامه‌ی پژوهش‌های پیشین با استفاده از روش کتابخانه‌ای، سعی دارد بر تأثیرات فرهنگی و مذهبی زرتشتیان در تحولات تمدن ایران پس از اسلام متمرکز شود؛ چرا که ضروری است این سیر تحولی در تاریخ ایران به سبب شناخت سنت‌های دینی و فرهنگی، هرچه دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش ما دربردارنده‌ی این نکته است که زرتشتیان علی‌رغم فروپاشی نظام سیاسی ساسانی، توانستند وحدت نظام فکری خود را به مدتی طولانی حفظ کنند و از طریق مزیتی که دستاوردهای علمی در اختیارشان می‌گذاشت، در نظام تمدن اسلامی اثرگذار باشند. رواداری مذهبی خلافت عباسی در دوران مأمون اجازه داد تا متفکرین اسلامی به خوبی با متفکران زرتشتی وارد گفت‌وگو شوند و به تبادل دستاوردهای خود بپردازند. اقلیت‌های زرتشتی و نومسلمانی که پیش از این زرتشتی بودند، پرچم‌داران انتقال دانش‌های اعصار پیشین به تمدن نوین اسلامی بودند.

طبقه‌ی دهقانان ایرانی که از اعصار باستانی به کشاورزی اشتغال داشتند، دانش نجوم خود را به دوره‌ی اسلامی منتقل ساختند و موجب شکوفایی این دانش درون تمدن اسلامی گشتند. حکمت ایرانیان نیز که از دوران‌های گذشته در تعامل با نگرش فلسفی یونانیان بود در دوران پیش از اسلام مجال رشد و توسعه پیدا کرد و ثمرات آن را می‌توانیم در فلسفه‌ی اسلامی به خصوص حکمت اشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشاهده کنیم. از دیگر نقاط عطفی که می‌توانیم به آن اشاره کنیم دانش پزشکی ایرانیان است. برای بررسی جایگاه زرتشتیان در حوزه‌ی پزشکی و جنبه‌های مختلف آن در دوره‌ی اسلامی، توجه به سه شاخصه‌ی کلی و تأثیرگذار یعنی، پیشینه‌ی پزشکی ایرانی، پزشکان زرتشتی دوره‌ی اسلامی و نهایتاً پزشکان زرتشتی نومسلمان ضروری است. نخستین عامل یعنی پیشینه‌ی پزشکی ایرانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. سابقه‌ی تمدنی کهن و پربرابر ایران که در دوره‌ی ساسانی به بلوغ و تکامل می‌رسد، بدون شک در دل خود میراثی عظیم و گران‌بها از علوم مختلف و به ویژه پزشکی که بیشترین تأثیرگذاری را در زندگی مردم داشته و به تبع شاهد پیشرفت‌های بزرگی نیز بوده، داشته است.

این میراث علمی و فرهنگی با ورود اسلام تحت تأثیر شرایط جدید، بعد از مدتی وقفه که به سبب از بین رفتن ساختار سیاسی کهن ایران و بازتعریف آن در چارچوب نظم جدید که تابع دو عنصر اسلامی و عربی بود، دوباره به حرکت خود ادامه داد و تحت تأثیر ویژگی‌های دین جدید که مشوق علم‌آموزی و ترویج آن بود، در میان ایرانیان بیشتری رواج یافت و به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در ایجاد عصر زرین علمی ایران پس از اسلام ایفای نقش کرد. همچنین آیین‌ها و مراسمات پس از اسلام بی‌تأثیر از باورهای زرتشتی نماند و بسیاری از اعتقادات و مناسک زرتشتی بر باورهای اسلامی و ایرانیان مسلمان شده تأثیر گذاشت.

منابع

- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳)، آثارالباقیه، ترجمه: اکبر داناسرشت، چاپ سوم، قم: امیرکبیر.
- بویس، مری (۱۳۸۱)، زرتشتیان باورها و آداب دینی آن‌ها، ترجمه: عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۸)، کلیات تاریخ و تمدن ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پیگو لو، سکایو (۱۳۴۸)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، جلد اول، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- جرجی زیدان (۱۳۶۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- چوکسی، جمشید گرشاسب (۱۳۸۷)، ستیز و سازش، ترجمه: نادر میر سعیدی، تهران: ققنوس.
- دلیسی، اونز اولیری (۱۳۴۲)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دوست‌خواه، جلیل (۱۳۶۱)، اوستا، تهران: مروارید.
- دیمیتری، گوتاس (۱۳۸۱)، تفکر یونانی، فرهنگ عربی؛ نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه‌ی آغازین عباسی (قرن‌های دوم تا چهارم هجری / هشتم تا دهم میلادی) ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۲)، دو قرن سکوت، تهران: انتشارات دنیا.
- شاکد، شائول (۱۳۹۳)، از ایران زردشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره‌ی تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، مترجم: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲)، جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری، تهران: انتشارات پازنگ.
- صدیقیان، مهیندخت (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیری-حماسی ایران به روایات منابع بعد از اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۴۵)، مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه: ذبیح‌الله صفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- محمدخانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، سیدعرب، حسن، نامه سهروردی، (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محمدی، محمد (۱۳۷۴)، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.

مینوی، مجتبی، رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۵۹)، نامه تنسر به گشنسب (گردآوری مینوی و رضوانی)، تصحیح: مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.

نمیرانیان، کتایون (۱۳۸۷)، زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز، تهران: مرکز کرمان‌شناسی.

نوربخش، سیما (۱۳۸۳)، نور در حکمت سهروردی، تهران، نشر سعید محبی.

یزدان‌پناه، سید یدالله (۱۳۸۹)، حکمت اشراق، تحقیق و نگارش: مهدی علی‌پور، تهران: انتشارات سمت.

تنهایی، انیس (۱۳۸۷)، "هویت‌جویی ایرانی-اسلامی در نسخه‌های مصور شاهنامه فردوسی دوران ایلخانی تا اواسط صفویه"، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۵، شماره ۹، پاییز-زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۳۹-۱۶۴.

دادور، ابوالقاسم، محمدی، ثریا (۱۳۸۵)، "نقاشی مانوی و تأثیر آن بر نگارگری اولیه اسلامی"، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، پاییز-زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۴۱-۱۵۴.

طولی، فاروق، پورمحمدی املشی، نصراله، دلریش، بشری و طالبی، طهماسب (۱۳۹۸)، "ورود طب مدرن و جلوه‌های تحول آن در ایران عصر قاجار (با تأکید بر نسخ مصور قاجاری)"، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۹-۱۵۲.

گشتاسب، فرزانه (۱۳۹۱)، "تأملی در آداب و رسوم زرتشتیان ایران"، پژوهشنامه ادیان، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۵۷-۱۷۶.

مثنوی‌پور، مجتبی، طبرسی، حمید (۱۳۹۹)، "جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی جشن‌های «مهرگان» و «سده» در هنر و فرهنگ عامه‌ی کرمان"، مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۹، صص ۱-۱۱.

مسیحی، عباس، حق‌پرست، زهرا (۱۳۹۳)، "مقایسه تطبیقی آیین مرگ در بین مسلمانان و زرتشتیان و بررسی میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر"، پژوهش‌های ادیانی، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۴۹-۷۱.

Aghathias, the histories(1975), translated with an introduction and short explanatory notes by Joseeph D, Frenedo, New York.

Denkard, (1876), edited by Peshotun Dastoor Behramjee Sanjana, book III, vol.